

An Analytical Examination of the Legitimacy or Invalidity of Fasting for the Elderly in Cases of Hardship and Difficulty¹

Abolfazl Esmaeili Jamkarani¹  Meysam Orangi²  Morteza Gharasban³ 

1. Graduate of Level 4, Qom Seminary and Professor, Department of Islamic Studies,
Imam Hossein University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: salambrefateme@gmail.com

2. Professor, Department of Islamic Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Email: Orangi@Maaref.ac.ir

3. Graduate of Level 3, Qom Seminary and PhD student in Islamic Studies with a focus on
Revolution, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: mgh1534@gmail.com



Abstract

One of the issues regarding fasting is the fasting of elderly individuals. Various scenarios have been proposed, including ability, inability, hardship, and difficulty. In the cases of hardship and difficulty, there are different opinions among jurists. This research undertakes a jurisprudential examination of these opinions and their evidences. Based on the research findings, if fasting involves hardship and difficulty, two scenarios are conceivable: First, if fasting entails harm, it is not permissible due to the rule of no harm (Qa'idat La Zarar), the Qur'anic verse, and the fundamental principle of the rule of no hardship. Second, if fasting does not entail harm, then two opinions among jurists are discussed in this scenario.

1. **Cite this article:** Esmaeili Jamkarani, A., Orangi, M., & Gharasban, M. (2024). An Analytical Examination of the Legitimacy or Invalidity of Fasting for the Elderly in Cases of Hardship and Difficulty. *Journal of Fiqh*, 31(117), pp. 71-103. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.67715.2731>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**04/11/2023 • **Revised:**07/04/2024 • **Accepted:**13/05/2024 • **Published online:**21/07/2024

© The Authors



Some jurists hold that this kind of fasting is valid (right), while others explicitly state that fasting is invalid (batil) and prohibited (haram). Both opinions have provided evidence to support their claims. Based on the research findings, the view that fasting is invalid (batil) and not permissible is prioritized. This study, using a descriptive-analytical method, examines the opinions of jurists and their evidences.

Keywords

Fasting of the elderly, essential fasting, invalidity of fasting, fasting of the old man and old woman, fasting of hardship.



نگاهی تحلیلی به مستندات مشروعیت یا بطلان

روزه سالمندان در فرض عسر و حرج^۱

ابوالفضل اسماعیلی جمکرانی^۱  میثم اورنگی^۲  مرتضی غرسبان^۳ 

۱. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و استاد، گروه معارف دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

salambrfateme@gmail.com

۲. استاد، گروه معارف دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.

Orangi@Maaref.ac.ir

۳. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب،

دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام، تهران، ایران.

mgh1534@gmail.com



۷۴



چکیده

یکی از مسائل در باب صیام، روزه افراد سالمند است که در این خصوص، فرض‌های مختلفی از جمله استطاعت، عدم استطاعت، حرج و مشقت طرح شده است که در فرض مشقت و سختی، اقوال مختلفی در آرای فقیهان مطرح گردیده است که تحقیق پیش رو عهده‌دار بررسی فقهی و مستندات این اقوال است. براساس یافته‌های تحقیق، در صورتی که روزه گرفتن با حرج و مشقت همراه باشد، دو حالت متصور است: نخست آنکه، روزه گرفتن مستلزم ضرر باشد که به دلیل قاعده‌ی لاضرر و آیه شریفه و عزیمت بودن قاعده نفی حرج جایز نیست. دیگری اینکه، روزه گرفتن مستلزم ضرر نیست که در این فرض دو قول میان فقیهان مطرح است: برخی به صحت روزه قائل شده‌اند و برخی دیگر به بطلان و حرمت روزه تصریح کرده‌اند. هر دو قول بر مدعای خود ادله‌ای اقامه کرده‌اند که براساس یافته‌های

۱. **استاد به این مقاله:** اسماعیلی جمکرانی، ابوالفضل؛ اورنگی، میثم و غرسبان، مرتضی. (۱۴۰۳). نگاهی تحلیلی به

مستندات مشروعیت یا بطلان روزه سالمندان در فرض عسر و حرج، فقه، ۳۱(۱۱۷)، صص ۷۱-۱۰۳.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.67715.2731>

* نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱



پژوهش، نظریه بطلان و عدم جواز مقدم است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی آرای فقیهان و ادله آنها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

روزه سالمندان، روزه ضروری، بطلان روزه، روزه شیخ و شیخه، روزه حرجی.



مقدمه

روژه ماه مبارک رمضان بر همه مکلفان غیر از چند گروه همانند مسافر، مریض، زن باردار و شیرده، پیرمرد و پیرزن با شرایط خاص واجب است. سالمندان (پیرمرد و پیرزن) از جمله گروه‌هایی هستند که در رابطه با وجوب و عدم وجوب روژه آنها در حالت مشقت میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. برخی فتوای جواز روژه داده‌اند و برخی دیگر به عدم مشروعیت آن حکم کرده‌اند.

از آنجاکه این مسئله دارای آثار مهم اجتماعی است که با تحقیق درباره آن و فروع منشعب، احکام مورد نیاز سالمندان مشخص می‌گردد؛ از این رو نگارنده بر آن است تا با بررسی این مسئله به این پرسش اساسی پاسخ دهد که حکم روژه سالمندان در فرض عسر و حرج چیست؛ بر این اساس باید مشخص گردد که اولاً، سالمند که در ادبیات عرب به شیخ و شیخه تعبیر شده است، به چه کسی اطلاق می‌گردد؟ ثانیاً، با توجه به اینکه وجوب صوم در صورت تعدر از شیخ و شیخه برداشته شده است، در صورت مشقت و حرج چه حکمی درباره روژه آن دو جعل شده است؟ ثالثاً، بر فرض حرجی بودن روژه، تکلیف آنان در این زمینه چیست؟

آنچه به عنوان فرضیه در پاسخ به این پرسش اساسی می‌توان مطرح کرد این است که در صورت حرجی بودن، روژه از سالمندان صحیح نیست و حرام است و در صورتی که روژه گرفتن بر ایشان متعذر باشد، فدیة واجب است و اگر تا پیش از ماه رمضان آینده استطاعت بر انجام دادن آن میسر گردد، قضای آن واجب خواهد بود. با بررسی آثار در این زمینه، هرچند در کتاب‌های فقیهان به این بحث پرداخته شده است، به صورت مستقل می‌توان به کتاب احکام استدلالی روژه سالمندان اثر نگارنده اشاره کرد. البته به دلیل آنکه در این آثار، مباحث روژه سالمندان به صورت جامع و مانع بررسی نشده است و از سویی تحقیقی مشابه یافت نگردید، نگارنده بر آن شد تا با روش توصیفی-تحلیلی و با تتبع در ادله دیدگاه‌های متفاوت اعم از آیات و روایات، به شکل استدلالی و گسترده، همه جوانب مسئله را بررسی کند.

۱. مفهوم‌شناسی

در مفهوم‌شناسی ضروری است که به بررسی مفهوم شیخ و شیخه، تعذر، مشقت، عسر و حرج، قاعده نفی حرج و همچنین رخصت و عزیمت پرداخته شود.

۱-۱. شیخ و شیخه

پیرمرد و پیرزن در لغت به شیخ و شیخه تعبیر شده است. در رابطه با محدوده سنی آن دو گفته‌اند شیخ کسی است که به پنجاه‌سال رسیده است (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۴۰). فیروزآبادی در قاموس، شیخ را کسی دانسته است که سن او از پنجاه یا پنجاه و یک تا آخر عمر یا تا هشتادسال را داراست (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۴۱). زبیدی در تاج العروس این‌گونه گفته است: «شیخ کسی است که موی سفید در او ظاهر و آشکار شده یا کسی که از پنجاه‌سال به بالا باشد یا کسی که از پنجاه و یک تا آخر عمر یا از پنجاه تا هشتادسال باشد» (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۸۵).

۱-۲. تعذر، مشقت، عسر و حرج

تعذر در لغت به معنای سختی و عدم امکان انجام فعل است؛ یعنی انجام‌دادن کار به قدری سخت و طاقت‌فرساست که برای انسان ممکن نیست (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۴۹). راغب چنین آورده است: شق و مشقت، شکسته‌شدنی که به جان و بدن انسان می‌رسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۹). عسر در مقابل یسر (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۶) و ضد سهولت و آسانی (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۴۸) و به معنای ضیق و تنگی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۴۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۱۵). حرج نیز در اصل مرادف معنای عسر استعمال شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۶۱).

۱-۳. قاعده نفی حرج

نفی حرج از قواعد عامه در فقه است. مضمون این قاعده رفع حکم تکلیفی یا وضعی است که انجام‌دادن آن باعث حرج بر مکلف است. از آنجا که دین اسلام سهله و سمحه است، هیچ یک از احکام آن ناشی از حرج، ضیق و عسر نیست؛ بلکه برخاسته از

سهولت است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۶). ادله قائلان به این قاعده برگرفته از آیات «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا...» (بقره، ۲۸۶)، روایات (مکارم، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۱۶۶-۱۷۶)، اجماع و عقل است.

۴-۱. رخصت یا عزیمت بودن قاعده نفی حرج

رخصت یا عزیمت دانستن قاعده نفی حرج از مباحث اختلافی است. برخی از فقیهان همچون سید محمد کاظم یزدی (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۷۱ و ج ۴، ص ۵۲۵)، حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۳۱)، محقق داماد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۴۳)، محمدتقی آملی (آملی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۷۹) و سید حسن بجنوردی (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹)، این قاعده را از باب امتنان می دانند؛ بدین معنا که با جریان آن شارع به انجام دادن مأمور به راضی نیست و در صورت انجام دادن، معصیت خواهد بود که از آن به عزیمت تعبیر شده است. برخی همانند کاشف الغطاء (نجفی کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۳۳)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۵۰)، میرزای نایینی (نایینی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۴۱۲)، محقق خویی (موسوی خویی، ۱۳۷۶، ج ۲۶، ص ۳۶۶) و امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۰۱) آن را از باب رخصت می دانند؛ بدین معنا که اگرچه حکم حرجی امتناناً برداشته شده است، آنچه از مکلف رفع شده، الزام است؛ اما اصل حکم همچنان باقی است و انجام دادن فعل جایز و صحیح است که از آن به رخصت یاد شده است.

۲. فرض های استطاعت سالمندان در روزه گرفتن

برای استطاعت و عدم استطاعت سالمندان در روزه گرفتن، فرض های متفاوتی متصور است که نخست به بررسی این فرض ها پرداخته خواهد شد:

۲-۱. استطاعت و عدم حرج و ضرر

طبق نظر فقیهانی همچون شیخ صدوق (قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۴)، شیخ مفید (بغدادی مفید،

۱۴۱۳ق، ص ۳۵۱)، سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، صص ۱۹۴-۱۹۳)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۲۹۴)، قطب الدین راوندی (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۸۳) و محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱) پیرمرد و پیرزنی که در ماه مبارک رمضان بتوانند بدون هیچ مشقتی روزه بگیرند و ضرری متوجه آنها نباشد، روزه بر آنها واجب است. وجه ابراز دیدگاه فوق این است که چون سقوط وجوب روزه مشروط به عجز و مشقت است؛ ازاین رو در فرض عدم عجز و مشقت، روزه واجب خواهد بود. در صحیحۀ محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام آمده است: «الشیخ الکبیر والذی به العطاش لاجرج علیهما ان یفطرا فی شهر رمضان یتصدق کل واحد منهما فی کل یوم بمد من طعام»؛ پیرمرد و کسی که بیماری عطش دارد می تواند در ماه رمضان افطار کنند و در ازای هر روزی یک مد طعام بپردازند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، صص ۲۰۹-۲۱۰؛ ابواب من یصح منه الصوم، باب ۱۵، ح ۱). آنچه از ظاهر روایت قابل برداشت است اینکه روزه به عجز و مشقت مقید نشده است؛ ازاین رو سالمندی که توان روزه گرفتن داشته باشد، روزه از او برداشته شده است.

این روایت در تناقض با فتوای فقیهان است؛ زیرا در فتوا عجز و مشقت موضوعیت دارد؛ درحالی که در روایت عنوان پیرمرد و پیرزن موضوعیت دارد. در پاسخ به این تعارض بیان شده است که اولاً، در آیات ۱۸۴ تا ۱۸۶ سوره بقره قید مشقت لحاظ شده است. این آیات مؤمنان را به چند گروه تقسیم کرده است: گروه اول به بیان وجوب روزه بر کسانی که از سلامتی کامل برخوردارند و در وطن هستند و مسافر نیستند، پرداخته است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلكم لعلکم تتقون». گروه دوم در صدد بیان عدم وجوب روزه بر بیمار و مسافر و قضای روزه پس از رفع عذر و مسافرت است. گروه سوم به بیان سقوط روزه و پرداخت فدیة بر افرادی که با زحمت و مشقت روزه می گیرند، پرداخته است: «وعلی الذین یطیقونه فدیة طعم مسکین»؛ ثانیاً، باید میان این روایت و دیگر روایتها (روایتهای دیگری که در باب ۱۵ وجود دارد) که قید مشقت در آنها لحاظ شده است، جمع کرد. وجه جمع آن است که سالمندانی از محدوده وجوب خارج می شوند که با مشقت روزه می گیرند؛ بنابراین با توجه به تعبیر ضعف، عدم قدرت و استطاعت در احادیث این مطلب به دست

می آید که روایت‌های ناظر به فرض عدم استطاعت یا حرج است؛ از این رو فرضی که شخص قادر بر روزه باشد با توجه به روایت‌های دیگر و آیه شریف خارج می‌شوند (شبیروی زنجانی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۵۳).

۲-۲. عدم استطاعت و تعذر

سالمندانی که توانایی گرفتن روزه نداشته باشند، به دو دلیل تکلیف از آنها ساقط است: دلیل اول، شرطیت قدرت برای تکلیف است. از آنجایی که طبق نظر مشهور فقیهان قدرت یکی از شرایط عامه تکلیف است، در فرضی که سالمندی توانایی گرفتن روزه را نداشته باشد، روزه از او ساقط است؛ دلیل دوم، روایات صحیح مانند صحیح محمد بن مسلم (حز عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، صص ۲۰۹-۲۱۰، ابواب من یصح منه الصوم، باب ۱۵، ح ۱) و حلبی در این باب است: «... بِنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَبِيرٍ يَضَعُ عَنْ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ يَتَصَدَّقُ بِمَا يَجْزِي عَنْهُ طَعَامًا لِكُلِّ يَوْمٍ لِّلْمَسَاكِينِ؛ عبيدالله بن علي حلبی می‌گوید از امام صادق عليه السلام درباره پیرمردی که در ماه مبارک رمضان قدرت بر گرفتن روزه ندارد پرسیدم. آن حضرت فرمود: به ازای هر روزی مقداری طعام به مسکین بپردازد» (حز عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۲، ح ۹). بنابر آنچه در لغت (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۲) و کلام برخی از فقیهان (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۲۴ و شبیری زنجانی، ۱۴۴۱ق، ج ۴، ص ۲۵) آمده است، هر گاه «ضعف» با «عن» متعدی شود، معنای «عجز» را می‌رساند؛ از این رو مصداق این روایت شخصی است که به واسطه پیرشدن از گرفتن روزه عاجز است.

۲-۳. حرجی بودن روزه

در صورتی که سالمند با حرج و مشقت روزه بگیرد، دو صورت متصور است: گاهی افزون بر مشقت و حرج، مستلزم ضرر است و گاهی صرف حرج و مشقت است. در فرض نخست، روزه گرفتن به سه دلیل جایز نیست: دلیل اول عزیمت بودن نفی حرج است؛ بنا بر این دلیل کسی که با مشقت روزه می‌گیرد و روزه بر او حرجی است، عمل

او باطل و عامل نیز مرتکب معصیت شده است؛ زیرا مجاز به انجام دادن چنین عبادتی نبوده است. گرچه بنا بر مبنایی که در مقابل این نظریه قرار دارد و آن رخصت داشتن نفی حرج است، روزه از چنین شخصی صحیح است. دلیل دوم آیه ۱۸۴ سوره بقره است که در آن مریض استثنا شده است و از آنجا که پیر مردی که روزه برایش ضرری است، به جهت اینکه مریض است نمی‌تواند روزه بگیرد؛ از این رو روزه از او صحیح نیست؛ دلیل سوم قاعده لاضرر است. با توجه به این دلیل اگر شخصی عمل مستلزم ضرر را انجام دهد، حکم به بطلان و عدم جواز می‌گردد؛ مگر بنا بر مبنای امام خمینی که ایشان در این گونه موارد لاضرر را نافی حکم نمی‌دانند و مطابق این نظریه حکم به بطلان و حرمت روزه از ادله دیگر به دست می‌آید (خمینی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۳۰).

در فرض دوم، حکم و جوب روزه از سالمندان برداشته شده است و دلیل آن چند چیز است:

- ۱) آیه «وَعَلَى الَّذِينَ يَطِئُونَ فِدْيَةَ طَعَامٍ» (بقره، ۱۸۴)؛ بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست، (همچون بیماران مزمن، سالمندان) لازم است کفاره بدهند.
- ۲) اکثر روایت‌های باب ۱۵ وسائل الشیعه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ابواب من یصح منه الصوم، صص ۲۱۳-۲۰۹) بر سقوط روزه دلالت دارد. گفتنی است کثرت روایت‌های صحیح در این باب جابر برخی از روایت‌های ضعیف در این مسئله است. بنا بر قاعده نفی حرج روزه از سالمندانی که با مشقت و حرج روزه می‌گیرند، ساقط است.

۳. دیدگاه‌ها در خصوص مشروعیت روزه در فرض عسر و حرج

پس از تقریر محل بحث در رابطه با حرمت یا جواز روزه در حالت عسر و حرج، دو دیدگاه مطرح است. برخی از فقیهان بر این باورند که روزه این اشخاص جایز و صحیح است. عده‌ای نیز به حرمت و بطلان روزه معتقدند که در ذیل ادله هر گروه بیان می‌گردد.

۱-۳. مشروعیت

۱-۱-۳. قائلان به جواز

فقیهانی مانند سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، صص ۱۹۳-۱۹۴)، فیض در تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۰)، محقق اردبیلی (اردبیلی، بی تا، ص ۱۵۳)، آقارضی خونساری (خوانساری، ۱۳۱۱ق، ص ۴۸۵)، صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۴۲۱)، سید محمدسعید حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵ق، کتاب الصوم، صص ۲۷۵-۲۸۰)، شیخ محمداسحاق فیاض (فیاض کابلی، بی تا، ج ۵، ص ۱۸۰)، سید صادق روحانی (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۳۹۶) و شیخ جواد تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۳) درباره جواز روزه در این مسئله صراحت دارند. ظاهر بیان برخی دیگر از فقیهان مانند ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۰۰)، ابن فهد حلی (حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۶)، شیخ مفید (بغدادی مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۱)، شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۸)، صاحب مدارک (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۲۹۶)، صاحب ریاض (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۹۳)، میرزای قمی (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۵، سؤال ۴۰۹)، سید ابوالحسن اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۰)، عراقی (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳۶)، سید محسن حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۳۹۲-۳۹۳) و سیداحمد خوانساری (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۳۷) نیز بر همین مطلب دلالت دارد.

۲-۱-۳. ادله قائلان به جواز

فقیهان در جواز روزه به قرآن، روایات و قاعده نفی حرج استناد کرده‌اند که در ذیل به تبیین این ادله پرداخته شده است.

دلیل اول: آیات

قائلان به صحّت روزه با استناد به آیه ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره معتقدند خداوند پس از جعل وجوب روزه برای تمام افراد، سه گروه مریض، مسافر و فردی را که گرفتن روزه برای او حرج و مشقت دارد، خارج کرده است. گروه سوم سالمندانی هستند که به دلیل مشقت توان گرفتن روزه ندارند. آنان بر این باورند که عبارت «و أن تصوموا خیر لکم»؛

اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است. در مقام بیان حکم معذورین، یعنی پیرمرد و پیرزن است؛ از این رو معنای آیه این گونه می‌شود: «کسانی که روزه برایشان طاقت فرساست، فدیة پردازند؛ ولی روزه برایشان بهتر است. مطابق این تفسیر، تخیر میان روزه و فدیة برای این اشخاص ثابت است. وجهی که برای این معنا بیان کرده‌اند این است که اگر جمله «أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ» متعلق به معذورین نباشد، آیه این گونه معنا می‌شود که «روزه برای همه واجب شده است؛ مگر چند گروه و این روزه گرفتن برایشان خیر است»؛ در این صورت آیه شریفه مستلزم فصل طویل است؛ زیرا میان آیه اول (۱۸۳) و این قسمت از آیه جملات مختلف فاصله شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۲۲۰-۲۲۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۴۲۱).

دلیل دوم: روایات

حدیث اول: صحیحة محمد بن مسلم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، صص ۲۰۹-۲۱۰، ابواب من یصح منه الصوم، باب ۱۵، ح ۱). این حدیث از مهم‌ترین دلایل قائلان به صحت روزه است که از طریق مشایخ ثلاث (کلینی، طوسی و صدوق) نقل شده است (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۵). ظهور این روایت در جواز افطار سالمندان و کسی است که بیماری دارد؛ زیرا در مقام بیان عدم اشکال در افطار کردن است؛ از این رو معنایش ثبوت حکم، یعنی جواز روزه گرفتن است.

حدیث دوم: روایت کرخی: «... قلت فالصیام؟ قال: اذا كان فی ذلك الحد فقد وضع الله عنه، فان كانت له مقدره فصدقه مد من طعام بدل کل یوم احب الیّ وان لم یکن له یسار ذلك فلاشی علیه»؛ ابراهیم بن ابی‌زیاد کرخی می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم وظیفه روزه او (پیرمرد) چگونه است؟ فرمود: اگر به این حد از ناتوانی رسیده باشد، خداوند وجوب روزه را از او برداشته است که در این صورت اگر تمکن مالی دارد، یک مد طعام در ازای هر روز به عنوان صدقه پردازد، نزد من محبوب‌تر است و اگر همین را نیز نمی‌تواند چیزی بر عهده‌اش نمی‌باشد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، صص ۲۱۲-۲۱۳، ابواب من یصح منه الصوم، باب ۱۵، ح ۱۰).

این روایت در مقام بیان حکم نماز و روزه پیرمرد عاجز و کفاره روزه در صورت سقوط آن است. محل استدلال در رابطه با حکم شخص ناتوانی است که گرفتن روزه همراه با مشقت و دشواری است. طبق این روایت، روزه برای این فرد حرجی است و پاسخ امام عدم صدور حکم روزه با مکلف نبودن این اشخاص است. رفع تکلیف به جهت اضطرار و منتهی است که شارع مقدس برای چنین مکلفانی قرار داده است. هر چند اصل مشروعیت و صحت باقی است (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵ق، کتاب الصوم، ص ۲۷۹).

دلیل سوّم: ترخیصی بودن قاعده نفی حرج

مقتضای نفی حرج در اینجا این مطلب را می‌رساند. کسانی که به جواز معتقدند، قاعده نفی حرج را ترخیصی می‌دانند و معتقدند شارع نسبت به این اشخاص منّت نهاده و الزام را از آنها برداشته است؛ اما اصل جواز روزه باقی است؛ از این رو اگر روزه بگیرند، صحیح است و دلیلی بر حرمت روزه وجود ندارد (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۲۹۶؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵ق، کتاب الصوم، ص ۲۷۸).

۳-۲. عدم مشروعیت

۳-۲-۱. قائلان به حرمت و بطلان

در مورد عدم مشروعیت روزه در فرض جاری بسیاری از فقیهان همانند شیخ بهایی (عاملی، بی‌تا، ص ۲۸۷)، مجلسی اول (اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۷۰)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، صص ۱۴۴ و ۱۵۰)، محقق خویی (موسوی خویی، ۱۴۳۰ق، کتاب الصوم، ج ۲۲ ضمن الموسوعه)، ص ۳۷)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۲۵۰)، حاج آقا تقی قمی (طباطبایی قمی، ۱۴۱۷ق، کتاب الصوم، ص ۳۴۲) و شیخ جعفر سبحانی (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۶) به عدم صحت روزه معتقد شده و به وجوب افطار فتوا داده‌اند. ظهور عبارت‌های برخی دیگر از فقیهان مانند صاحب فقه الرضا (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶ق، ص ۲۱۱)، ابن بابویه (قمی، بی‌تا، ص ۸۱)، شیخ صدوق (قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۴)، ابن زهره (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۰)، صاحب شرایع (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)، شهید اول (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۱) و شهید ثانی



(عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۴۴) نیز در وجوب افطار و حرمت روزه است. عبارت‌هایی همچون «علیهم الإفطار» و «یفطر» و «فدیا» گویای این حکم است.

۲-۳. ادله قائلان به حرمت

این گروه از فقیهان نیز به قرآن، روایات و قاعده نفی حرج استناد کرده‌اند که در ذیل به بررسی ادله آنان پرداخته می‌شود.

دلیل اول: آیات

دو آیه ۱۸۳-۱۸۴ سوره بقره، همان‌گونه که مستند قائلان به جواز و صحت است، دلیل قول به حرمت روزه نیز قرار گرفته است. قائلان به وجوب افطار در کیفیت استدلال به این آیات می‌گویند این دو آیه مشتمل بر چند فراز است: فراز اول در بیان وجوب روزه بر تمام مکلفان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ». فراز دوم بیانگر خروج سالمندانی است که بر اثر مشقت توان روزه ندارند و همچنین به پرداخت فدیة و اطعام مسکین درباره این مکلفان حکم شده است: «وَعَلَى الَّذِينَ يَظِيقُونَ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ». فراز سوم آیه نیز به روزه گرفتن کسانی مانند حاضر و سالم و مریض تأکید دارد که روزه آنها صحیح است: «وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». از آنجا که در این آیه تنها به وجوب پرداخت فدیة تصریح شده است، اگر چیزی غیر از این بود باید ذکر می‌شد. از سوی دیگر چون روزه گرفتن نیاز به امر دارد و در اینجا امری نشده است، نتیجه گرفته می‌شود که روزه از آنها ساقط است.

دلیل دوم: روایات

روایت‌های بسیاری همچون صحیحہ محمد بن مسلم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، صص ۲۱۰-۲۰۹؛ ابواب من یصحّ من الصوم، باب ۱۵، ح ۱)، صحیحة عبدالملک بن عبّته هاشمی (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ح ۴)، روایت عبدالله بن سنان (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ح ۵)،

موثقة عبدالله بن بكير (حرّ عاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ح ۶) و صحیحه حلبی (حرّ عاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ح ۹) دلیل بر حرمت و بطلان روزه در فرض مشقت است. صحیحه محمد بن مسلم تنها روایتی است که قائلان به جواز به آن استناد کرده‌اند و ادعای استظهار ترخیصی بودن صوم شده است؛ درحالی که این روایت در مقام توهم حذر است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۰) و بیان می‌کند کسی توهم عدم افطار برای آن گروه نکند؛ از این رو با روایت‌های دیگر در تنافی نیست. در برخی احادیث نیز تعبیرهایی همچون «فَعَلَيْهِمْ» یا «يَتَصَدَّق» آمده است که ظهور آن در وجوب فدیة است. ذکر نشدن عدل دیگری در کنار فدیة مشخص می‌کند که تنها فدیة واجب است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۰). از طرفی مشروعیت روزه نیازمند امر است و چون این عده از تحت آن امر کلی و عمومی «يا ايها الذين امنوا» خارج شدند، دیگر امری برایشان باقی نمی‌ماند و برای استحباب به امر دیگری نیاز است که در هیچ یک از روایات در این زمینه حتی روایت ضعیف امر به روزه برای این گروه نرسیده است (موسوی خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲، ص ۳۷) تا بتوان آن را بر استحباب حمل کرد و به آن مشروعیت بخشید و اگر کسی به نیت رجا و امید روزه ثواب بگیرد، از محل کلام خارج است و در نتیجه ظهور این روایت‌ها در وجوب افطار و حرمت روزه به قوت خود باقی است.

دلیل سوّم: عزیمت بودن قاعده نفي حرج

قائلان به عدم جواز روزه به این قاعده از باب عزیمت تمسک کرده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲، ص ۳۷ و فاضل موحّدی لنگرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۱)؛ از این رو معتقدند چون روزه این اشخاص در فرضی است که با حرج و مشقت همراه است، از سویی شارع در آیه شریفه ۷۸ سوره حج تکلیف حرجی را از مکلفان برداشته است؛ بنابراین انجام دادن آن تکلیف جایز نیست؛ زیرا رفع تکلیف به نحو رخصت نیست؛ بلکه به نحو عزم بر ترک آن فعل است؛ از این رو بنا بر عزیمت بودن قاعده نفي حرج، اگر هیچ دلیلی از آیات و روایات بر عدم جواز روزه در فرض یادشده وجود نداشته باشد، همین قاعده بر سقوط روزه در فرض مشقت دلالت دارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۳۴۶).

۴. بررسی ادله دیدگاه‌ها در خصوص حکم روزه سالمندان

برای بررسی دیدگاه‌ها در خصوص حکم روزه سالمندان، بررسی ادله آنها ضروری است. ادله قائلان به جواز و حرمت روزه سالمندان از یک سنخ است؛ یعنی هر دو گروه به آیه ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره، برخی روایات و قاعده نفی حرج استناد کرده‌اند که در ادامه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۴-۱. بررسی آیات

قائلان به صحت روزه در حالی به آیه استدلال می‌کنند که این استناد برخلاف ظاهر آیه است؛ زیرا ظهور آن در عدم مشروعیت روزه است. بیان خلاف ظاهر بودن بر دو مقدمه متوقف است:

مقدمه اول آنکه پس از حکم کلی خداوند به روزه، چند گروه استثنا شده‌اند که روزه از برخی مانند مسافر و مریض تا رفع عذر ساقط است و برای برخی مانند پیرمرد و عطشان محدودیت زمانی ذکر نشده است. افزون بر اینکه ظهور عبارت «علی الذین یطیقونه» در وجوب است؛ زیرا قرار گرفتن کلمه «علی» در کنار چیزی، بنابر قواعد ادبی در وجوب موضوعش ظهور دارد؛ مگر قرینه صارف‌ای برخلاف باشد که در آیه وجود ندارد.

مقدمه دوم در بیان کفایت وجوب فدیة برای سالمندان است؛ به این بیان که روزه مریض و مسافر که از حکم وجوب استثنا شده‌اند، به ایام دیگر موکول شده است؛ اما تکلیف پیرمرد و پیرزن با فدیة بدون بیان عدل مشخص شده است. با توجه به این دو مقدمه باید گفت آیه شریفه در مقام بیان پرداخت فدیة عوض روزه است؛ زیرا اگر چیزی غیر از فدیة لازم یا مستحب بود، باید ذکر می‌شد.

وجود قرینه بر لزوم افطار و حرمت روزه

خداوند برای روزه اهمیت ویژه‌ای قائل شده است تا آنجا که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «نفس کشیدن شما ذکر و خواب شما در آن عبادت است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۱۳).

ابواب احکام شهر رمضان، باب ۱۸، ح ۲۰). انسان در این ماه برای اطاعت فرمان الهی روزه می‌گیرد و از طرفی شارع در امر به روزه اغراض متعددی دارد که یکی از آنها اطاعت بنده در مقابل پروردگار و دیگری سلامتی جسم و طهارت معنوی انسان است. وقتی طهارت انسان از قذارت‌های مادی و معنوی یکی از حکمت‌های روزه است که در حدیث شریف «روزه بگیری تا سالم باشید» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹۳، ص ۲۵۵) بدان اشاره شده است، در می‌یابیم که با تشریح روزه سلامتی جسم انسان مورد توجه شارع بوده است. حال اگر انسان با روزه گرفتن آسیب جسمی ببیند، چنین روزه‌ای جایز نخواهد بود و اگر پیرمرد یا پیرزنی بخواهند روزه‌ای را که برایشان با مشقت همراه است، ولی ضرری هم ندارد، انجام دهند؛ در حالی که می‌توانند افطار کنند، چگونه می‌تواند این روزه صحیح باشد؟ چون ممکن است حال فعلی این افراد مناسب باشد و همراهی کند؛ ولی همین روزه‌های فعلی بدون ضرر در آینده موجب آسیب‌های جسمی جبران‌ناپذیر یا حتی آسیب‌های روحی شود؛ چون با افزایش سن انسان ضعیف می‌شود و اگر انسان در سن بالا بیمار شود، غالباً بازگشت بهبودی برایش مشکل و بعید است؛ از این رو چه بسا آسیب روزه‌های فعلی، آثار جسمی جبران‌ناپذیری داشته باشد.

حکمت خداوند از جعل احکام بنابر نظر امامیه براساس مصالح و مفاسد است؛ ولی نه تنها مصالح و مفاسد فعلی، بلکه حتی مصالح و مفاسد آینده‌ای که انسان بعدها متوجه شود و حتی امکان دارد که هیچ‌گاه متوجه نشود که از دست دادن عافیتش بر اثر روزه‌های سال‌های پیش بوده است. این مطالب علت جعل روزه نیست؛ بلکه در حد حکمت و قرینه است بر اینکه چه بسا یکی از اغراض شارع برای جعل حکم الزام افطار برای افراد سالمند، همین فلسفه‌ای باشد که برای روزه بیان شد (اسماعیلی جمکرانی، ۱۴۰۰ق، صص ۱۱۴-۱۱۶).

۲-۴. بررسی روایات

حدیث اول: صحیح محمد بن مسلم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، صص ۲۰۹-۲۱۰، ابواب من یصحّ منه الصوم، باب ۱۵، ح ۱).

این روایت منقول از امام باقر علیه السلام مهم‌ترین روایت در این مسئله است. دلالت این روایت بر جواز روزه سالمندان محل اشکال است؛ ولی این امر نه از جهت عدم ظهور در مسئله، بلکه به جهت رفع توهم حضر است؛ به این بیان که امام علیه السلام با عبارت‌هایی مانند «حرجی بر آنها نیست که افطار کنند» در صدد نفی این توهم است که در ماه رمضان روزه بر سالمند و عطشان واجب باشد. این مطلب با توجه به روایت‌های دیگر در این باب نیز قابل برداشت است؛ زیرا در همه آنها پیرمرد و پیرزن را به مسئله‌ای غیر از افطار، یعنی وجوب فدیة توجه داده‌اند و گویا جواز افطار امری مسلّم در ارتکاز افراد بوده است.

حدیث دوم: روایت کرخی (حز عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۲، ح ۱۰).

ایشان از امام صادق علیه السلام درباره پیرمردی که نمی‌تواند رکوع و سجده انجام دهد پرسید و آن حضرت فرمود: «با اشاره انجام دهد»؛ همچنین در مورد روزه این فرد پرسید و امام فرمود: «اگر شخص به این حد (از ناتوانی) رسیده باشد، خداوند تکلیف روزه را از او برداشته است». عبارت اخیر بیانگر رفع الزام از روزه حرجی است. در واقع امام از باب حرج، به عدم تکلیف حکم کرده است.

این برداشت از روایت پذیرفتنی نیست؛ زیرا اولاً، سند این روایت به دلیل مجهول بودن افرادی همانند محمد بن خالد طرابلسی و ابراهیم بن ابی‌زیاد الکرخی مخدوش است و برخی به اتحاد کرخی با ابراهیم بن زیاد، ابویوب الخزاز الکوفی قائل شده‌اند؛ به قرینه اینکه صفوان بن یحیی و محمد بن ابن عمیر و حسن بن محبوب از ابی‌ایوب روایت نقل می‌کنند؛ همان‌طور که این سه نفر از ابراهیم بن ابی‌زیاد نقل می‌کردند؛ از این رو این دو یک شخص هستند (استرآبادی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۴۹) که این هم قابل اثبات نیست؛ چون ممکن است دو شخص با این عنوان وجود داشته باشد و این سه نفر از هر دوی آنها حدیث نقل کنند و بر فرض اینکه هر دو عنوان برای یک شخص باشد، دلیلی بر توثیق وجود ندارد؛ زیرا هر دو مجهول‌اند.

ثانیاً، بر فرض صحت سند، پذیرش استدلال مبتنی بر این است که نفی حرج به نحو رخصت باشد؛ در حالی که مبنای صحیح، عزیمت بودن قاعده نفی حرج است؛ ثالثاً،

ظهور روایت در مورد شخصی است که از افعال در نماز و از روزه گرفتن ناتوان است؛ نه اینکه بخواهد با مشقت آن را انجام دهد؛ بنابراین روایت تخصصاً از محل بحث خارج است.

۴-۳. بررسی قاعده نفی حرج

در مورد قاعده نفی حرج، دو دیدگاه طرح شده است:

۴-۳-۱. دیدگاه رخصت

قائلان به رخصت در قاعده نفی حرج به دو دلیل تمسک کرده‌اند:

دلیل اول آنکه رفع حرج به جهت امتنان بوده، عزیمت کلفتی برخلاف امتنان است؛ از این رو نفی حرج از باب عزیمت نیست (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۳۱). علت این امر آن است که وقتی رفع حرج امتنانی شد، اگر شارع حکم را به طور کلی ملغی کند و از مأمور به ابتدایی نهد، عزیمت به دست می‌آید که این عزیمت تکلف بر مکلف است؛ زیرا اقتضای منت بر بندگان راحتی آنها در انجام دادن و ترک کردن فعل است؛ در حالی که التزام به انجام ندادن خلاف امتنان است. اشکال به این دلیل آن است که اثبات امتنان برای رفع حرج ثابت نیست؛ زیرا شارع رفع حرج را جعل کرده است تا اعلام کند به مشقت و سختی افتادن بندگان در عبادات راضی نیست. چه بسا رضایت نداشتن شارع به جهت مظنه انزجار در عبادات باشد؛ در نتیجه جعل رفع حرج به جهت خصوص امتنان قابل اثبات نیست (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۰۵).

دلیل دوم در مقام بیان تفکیک میان الزام و ملاک است؛ به این معنا که وقتی شارع در فعل حرجی با ورود «لا حرج» الزام را برداشت، ملاک همچنان به قوت خود باقی است و آن اصل مطلوبیت فعل است؛ پس انجام دادن آن جایز خواهد بود (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۳۲). برخی از اشکال‌ها بر این دلیل عبارت است از اینکه اولاً، تفکیک میان الزام و ملاک از دقت‌های فلسفی و دور از ذهن عرفی است؛ زیرا روایت‌ها برای عرف القا شده است و عرف چنین تفکیکی میان اوامر و نواهی لحاظ نمی‌کند؛ ثانیاً، در

قاعده نفی حرج، طلب، مجعول شارع است و آن امری بسیط و تفکیک‌ناپذیر است و در صورت رفع طلب، چیزی در خارج باقی نمی‌ماند؛ در نتیجه فعل محبوب شارع نیست؛ بنابراین انجام دادن فعل نیازمند امر جدید است تا مکلف به واسطه آن فعل را در خارج ایجاد کند و اگر امری وارد نشد، ذمه مکلف نسبت به آن فعل ساقط است.

۲-۳-۴. دیدگاه عزیمت

قائلان به عزیمت در قاعده نفی حرج نیز به برخی از آیات و روایت‌ها تمسک می‌کنند که در ذیل بیان می‌گردد:

الف) آیات

۱. آیه ۷۸ سوره حج که می‌فرماید: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ در دین (اسلام) کار سنگین و سختی برای شما قرار نداد. عبارت حرج در سیاق نفی، بیانگر آن است که خداوند هرگونه حرج حکمی یا عارضی را نفی کرده است؛ زیرا احکام الهی براساس شریعت سهله‌ای است که پیامبر ابلاغ کرده است؛ بنابراین مجعول شارع سهولت در دین است؛ از این رو اگر انجام دادن فعلی با حرج و مشقت همراه بود، نشان رضایت‌نداشتن شارع است.

۲. آیه ۲۸۶ سوره بقره که می‌فرماید: «لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ خداوند هیچ کس را بیش از اندازه توان تکلیف نمی‌کند. تکرار آیه شریفه (بقره، آیه ۲۳۳؛ آیه ۱۵۲؛ آیه ۴۲ و آیه ۶۲) با مضامین مشابه به دلیل اهمیت مطلب است. وجه تأکید آن است که شارع در صدد بوده است تا اعمال دارای مشقت را رفع کند.

ب) روایات

برخی از روایت‌ها در این مسئله عبارت‌اند از:

حدیث اول: موثقه سکونی: «عن السكونی عن جعفر عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله

قال: ان الله اهدى الى والى امتى هديه لم يهداها الى احد من الامم كرامه من الله لنا، قالوا: وما ذلك يا رسول الله؟ قال: الافطار في السفر والتقصر في الصلاة، فمن لم يفعل ذلك فقد ردّ على الله عزوجل هديته»؛ اسماعيل بن أبي زياد از امام صادق عليه السلام از پیامبر نقل کرده است: «خداوند به جهت لطف و کرامتش هدیه‌ای به من و امتم ارزانی کرد که به امت‌های سابق عطا نکرد. از آن حضرت در مورد آن سوال شد؟ فرمود: این لطف شامل خوردن روزه و شکستن نماز در حال سفر است. در ادامه افزودند: اگر کسی در سفر روزه بگیرد یا نماز را تمام بخواند، در واقع هدیه خداوند را نپذیرفته و آن را رد کرده است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۱۷۷، ابواب من یصح منه الصوم، باب ۱، ح ۸). در سند روایت حسین بن یزید نوفلی و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی وجود دارند که مشهور فقیهان روایت‌های این دو را پذیرفته‌اند و مانند این روایت را موثقه می‌دانند؛ به دلیل اینکه سکونی را عامی می‌دانند.

گرچه این روایت به‌تنهایی بر حرمت ردّ هدیه دلالت نمی‌کند، با توجه به روایت دوم و نیز دیگر روایت‌هایی که بیانگر حرمت روزه و اتمام نماز در سفر می‌باشد، این روایت قرینه‌ای برای استفاده حرمت ردّ هدیه است و در نتیجه روشن می‌گردد آنچه خداوند به عنوان مَنّت بر بندگان قرار داده، در واقع آن را از بندگان طلب نکرده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شارع افعال حرجی را به جهت امتنان از بندگان برداشته است؛ از این رو اگر مکلفی فعل حرجی را مرتکب شود، در حقیقت در مقابل امتنان شارع قرار گرفته است که این امر جایز و صحیح نیست.

روایت دوّم: صحیح‌ه یحیی بن ابی العلاء: «عن یحیی بن ابی العلاء عن ابی عبد الله قال: الصائم فی السفر فی شهر رمضان کالمفطر فیہ فی الحضر ثمّ قال: إنّ رجلاً أتى النبی فقال یا رسول الله، أصوم شهر رمضان فی السفر فقال: لا، فقال: یا رسول الله انه علیّ ینسیر فقال رسول الله إنّ الله عزّ و جل تصدق علی مرضی أمتی و مسافریها بالافطار فی شهر رمضان أیحب أحدکم لو تصدق بصدقة أن تُردّ علیه»؛ یحیی بن ابی العلاء از امام صادق عليه السلام نقل کرده است: «مسافری که در ماه رمضان روزه می‌گیرد همانند کسی است که در وطن خود در ماه مبارک روزه نمی‌گیرد. سپس حضرت فرمود: شخصی خدمت

پیامبر خدا رسید و عرض کرد ای رسول خدا آیا در مسافرت می‌توانم روزه بگیرم؟ پیامبر فرمود: جایز نیست. سائل پرسید: ای رسول خدا این کار برای من آسان است (و دچار هیچ سختی نمی‌شوم)، پیامبر فرمود: خداوند به بیماران و مسافران صدقه و هدیه عنایت کرده است که در ماه رمضان روزه نگیرند. آیا یکی از شما دوست دارد، اگر چیزی به عنوان هدیه به دیگری داد، آن را به او برگرداند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۵، ح ۵). در این روایت نیز ردّ هدیه به عنوان شاهدی برای عدم جواز روزه در حال سفر و بیماری ذکر شده است. این تمثیل در صورتی صحیح است که ردّ هدیه صحیح نباشد. در غیر این صورت تمثیل چیزی که جایز نیست بر چیزی که جایز است صحیح نیست. نکته دیگر آنکه با توجه به این روایت خداوند سختی را از بندگان نخواست است؛ از این رو اینکه تمثیل به ردّ هدیه زده شده است، در واقع مراد عدم اراده واقعی است؛ به بیان دیگر عزیمت بودن در نفی حرج اقتضای عدم جواز انجام دادن فعل حرجی است.

بررسی نهایی

در رابطه با روزه سالمندان در حالت عُسر و حرج و مشقت دو دیدگاه وجود دارد: اگر روزه به همراه ضرر باشد، به دلیل قاعده لاضرر و آیه شریفه سوره بقره و عزیمت بودن قاعده نفی حرج روزه جایز نیست؛ اما در صورتی که مستلزم ضرر نباشد، برخی با تمسک به آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره، صحیح محمد بن مسلم، روایت کرخی و تریخی بودن قاعده نفی حرج به صحت روزه معتقد شده‌اند. عده‌ای نیز با استناد به آیات قرآن و روایات بسیاری همچون صحیح محمد بن مسلم، صحیح عبدالملک بن عتبّه هاشمی، روایت عبدالله بن سنان، موثقه عبدالله بن بکیر و عزیمت بودن قاعده نفی حرج، به حرمت و بطلان روزه سالمندان حکم داده‌اند. این پژوهش نشان داد از آنجایی که ادله قائلان به جواز و حرمت روزه سالمندان از یک سنخ است، آنچه از آیات و روایات و قواعد بر می‌آید این است که ادله قائلان به رخصت پذیرفتنی نیست و تعبیر به «نفی حرج» در آیه شریفه، ظهور بدوی در رخصت دارد که این ظهور با توجه به آیات و روایات بیان شده از میان می‌رود و در عزیمت متعیّن می‌شود؛

از این رو نظریه بطلان و عدم جواز روزه سالمندان در فرض عُسر و حرج، تقویت می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با بررسی ادله فقهی درباره روزه سالمندان سه حالت متصور است: نخست آنکه پیرمرد و پیرزن توانایی روزه گرفتن دارند که در این فرض، روزه بر آنان واجب است؛ دوم آنکه پیرمرد و پیرزن قدرت روزه گرفتن ندارند که به اتفاق فقیهان به دلیل شرط بودن قدرت در تکلیف و روایات صحیح، همچون صحیح محمد بن مسلم روزه از این شخص ساقط است؛ سوم آنکه روزه گرفتن با حرج و مشقت همراه است که در این صورت دو حالت متصور است: نخست آنکه روزه گرفتن مستلزم ضرر باشد که به دلیل قاعده لاضرر و آیه شریفه و عزیمت بودن قاعده نفی حرج روزه جایز نیست. دیگر اینکه روزه گرفتن مستلزم ضرر نیست که در این فرض دو قول میان فقیهان مطرح است. برخی از فقیهان به صحت روزه قائل شده‌اند و برخی به بطلان و حرمت روزه تصریح کرده‌اند. هر دو قول بر مدعای خود ادله‌ای اقامه کرده‌اند که بر اساس یافته‌های تحقیق، نظریه بطلان و عدم جواز روزه آنها ثابت می‌گردد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آملی، میرزا محمدتقی. (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی (ج ۷، چاپ اول). تهران: بی نا.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ق). النهاية فی غریب الحدیث والأثر (محقق: محمود محمد طناحی، ج ۱، چاپ چهارم). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة (ج ۲، چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالعلم.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (محقق: هارون، عبدالسلام محمد، ج ۴، چاپ اول). قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۴، چاپ سوم). بیروت: انتشارات دار صادر.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). زبدة البیان فی احکام القرآن (چاپ اول). تهران: انتشارات کتاب فروشی مرتضوی.
۷. اردبیلی، أحمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان (محققان: آقامجتبی عراقی و علی پناه اشتهدادی، ج ۵، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ازدی، عبدالله. (۱۳۸۷). کتاب الماء (ج ۲، چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران - مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی - طب اسلامی و مکمل.
۹. استرآبادی، محمد بن علی، (۱۴۳۰ق)، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال (تحقیق: موسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول)، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۰. اسماعیلی جمکرانی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). احکام استدلالی روزه سالمندان (چاپ اول). قم: انتشارات ابوالحسنی.

۱۱. اصفهانی، سید ابوالحسن. (۱۴۰۹ق). وسیلة النجاة (حواشی: امام خمینی، چاپ اول). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۳ق). کتاب الصوم (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۳. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة (محقق: محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقدم، ج ۱۳، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. بغدادی مفید، محمد بن محمد بن نعمان العکبری. (۱۴۱۳ق). المقنعة (چاپ اول). قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۱۵. تبریزی، جواد. (۱۴۲۷ق). تنقیح مبانی العروة (چاپ اول). قم: دارالصدیقة الشهید علیه السلام.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه (ج ۱۰، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۷. حسینی روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق (ج ۸، چاپ اول). قم: انتشارات دارالکتاب.
۱۸. حلبی، ابن زهره، حمزة. (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۹. حلّی، ابن ادريس، محمد. (۱۴۱۰ق). السرائر (ج ۱۰، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. حلّی، جمال الدین، أحمد. (۱۴۰۹ق). الرسائل العشر (محقق: سیدمهدی رجائی، چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۱. حلّی، محقق، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرایع الإسلام (محقق: عبدالحسین محمد بن علی بقال، ج ۱، چاپ دوم). قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۲. خمینی، سید روح الله. (۱۴۱۵ق). بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر (چاپ سوم) قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۳. خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب الطهارة (ج ۲، چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۴. خوانساری، رضی الدین. (۱۳۱۱ق). تکمیل مشارق الشمس (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۲۵. خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالعلم.
۲۷. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن (محقق: سید احمد حسینی، ج ۱، چاپ دوم). قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۲۸. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۰ق). الصوم فی الشریعة الإسلامية الغراء (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق رحمته الله علیه.
۲۹. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (محقق: مؤسسه المنار، ج ۱۰، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
۳۰. شییری زنجانی، سید موسی. (۱۴۴۱ق). کتاب الصوم (ج ۴). قم: انتشارات مرکز فقهی امام محمدباقر رحمته الله علیه.
۳۱. شییری زنجانی، سید موسی. (بی تا). کتاب الحج (ج ۱۶). قم: انتشارات مرکز فقهی امام محمدباقر رحمته الله علیه.
۳۲. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی. (۱۴۱۵ق). الانتصار (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طباطبایی حائری، سید علی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (محقق: علی مروارید، ج ۵، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت رحمته الله علیه.
۳۴. طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین (المحشی، ج ۱، چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.
۳۵. طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی (ج ۲ و ۴، چاپ اول). قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۳۶. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۲۵ق). مصباح المنهاج (چاپ اول). قم: انتشارات دارالهلل.
۳۷. طباطبایی قمی، سید تقی. (۱۴۱۷ق). الغایة القصوی (چاپ اول). قم: انتشارات محلاتی.

۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمد محقق داماد. (۱۴۰۱ق). کتاب الحج (ج ۳، چاپ اول). قم: انتشارات چاپخانه مهر.
۳۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی (محقق: احمد محسنی سبزواری، ج ۲ و ۴، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۳۷۵ق). الاقتصاد (چاپ اول). تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۴۱. عاملی، بهاء‌الدین، محمد بن حسین. (بی تا). جامع عباسی. بی جا: بی نا.
۴۲. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية (ج ۱، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۴ق). حاشیة الإرشاد (محقق: رضا مختاری، ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۴. عاملی، محمد بن علی موسوی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام (ج ۶، چاپ اول). بیروت: مؤسسه آل‌البتیة.
۴۵. عراقی، ضیاء‌الدین. (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمین (محقق: محمد حسون، ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۶. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۲۶ق). تفصیل الشریعة (چاپ اول). قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۱، چاپ دوم). قم: انتشارات هجرت.
۴۸. فقه منسوب به امام رضا. (۱۴۰۶ق). فقه الرضا (چاپ اول). مشهد: مؤسسه آل‌البتیة.
۴۹. فیاض کابلی، محمد اسحاق. (بی تا). تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی (ج ۵، چاپ اول). قم: انتشارات محلاتی.
۵۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط (ج ۵، چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۱. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی (محقق: حسین أعلمی، ج ۱، چاپ دوم). تهران: انتشارات الصدر.

۵۲. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر (چاپ دوم). قم: مؤسسه دارالهجرة.
۵۳. قمی، صدوق، علی بن بابویه. (بی تا). مجموعه فتاوی ابن بابویه (محقق: علی پناه اشتهاردی، چاپ اول). قم: بی نا.
۵۴. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۵ق). المقنع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۵۵. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین (محقق: سیدحسین موسوی کرمانی، ج ۳، چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور.
۵۶. مرتضی زبیدی، محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس (محقق: علی شیری، ج ۴، چاپ اول) بیروت: انتشارات دارالفکر.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیه (ج ۱، چاپ سوم). قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۵۸. موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه (محقق: مهدی مهریزی - محمد حسن درایتی، ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات الهادی.
۵۹. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۶). الموسوعه الامام الخویی (ج ۲۶). نینوی: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی علیه السلام.
۶۰. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۳۰ق). المستند (چاپ چهارم). نینوی: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی علیه السلام.
۶۱. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). جامع الشتات (محقق: مرتضی رضوی، ج ۱، چاپ اول). تهران: مؤسسه کیهان.
۶۲. نایینی، محمد حسین. (۱۴۲۷ق). منية الطالب (ج ۳، چاپ دوم). قم: موسسه النشر الإسلامی.
۶۳. نجفی کاشف الغطاء، جعفر. (۱۴۲۲ق). كشف الغطاء (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۴. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام (محققان: عباس قوچانی و علی آخوندی، ج ۱۷، چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

References

* The Holy Qur'an.

1. mm,,, B. ... (n.d). Jmm' bb b....
2. Ameli, M. b. A. M. (1990). *Madarik al-Ahkam* (Vol. 6, 1st ed.). Beirut: AlulBayt Institute. [In Arabic]
3. Ameli, Shahid Awal, M. (1993). *Al-Durus al-. har''aa* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
4. Ameli, Shahid Thani, Z. b. A. (1993). *Hashiyat al-Irshad* (R. Mokhtari, Ed., Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian]
5. Amoli, M. M. (1960). *Misbah al-Huda fi Sharh al-Urwa al-Wuthqa* (Vol. 7, 1st ed.). Tehran. [In Persian]
6. Ansari, M. (1992). *Kitab al-Sawm* (1st ed.). Qom: World Congress Commemorating Sheikh A'zam Ansari. [In Persian]
7. Ardabili, A. (1982). *Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan* (A. M. Iraqi & A. P. Ishtahardi, Eds., Vol. 5, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian]
8. Ardabili, A. b. M. (n.d.). *Zubdat al-Bayan fi Ahkam al-Quran* (1st ed.). Tehran: Murtazavi Bookstore Publications. [In Persian]
9. Azdi, A. (2008). *Kitab al-Ma* (Vol. 2, 1st ed.). Tehran: Iran University of Medical Sciences Publications - Institute for the History of Medicine - Islamic and Complementary Medicine Studies. [In Persian]
10. Baghdadi, M. b. M. b. N. al-Akberi. (1992). *Al-Muqni'a* (1st ed.). Qom: Sheikh Mufid Millennium Congress. [In Arabic]
11. Bahrani, Y. (1985). *Al-Hada'iq al-Nadra* (M. T. Irvani & S. A. Moqaddam, Eds., Vol. 13, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
12. Esfahani, S. A. (1988). *Wasilat al-Najat* (Imam Khomeini, Ed., 1st ed.). Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]



13. Esmaili Jamkarani, A. (2021). *Rulings of Argument of Faxting for the elderly* (1st ed.). Qom: Abulhasani Publications. [In Persian]
14. Estarabadi, M. b. A. (2009). *Manhaj al-Maqal fi Tahqiq Ahwal al-Rijal* (AlulBayt Foundation for the Revival of Heritage, Ed., 1st ed.). Qom: AlulBayt Foundation for the Revival of Heritage. [In Arabic]
15. Farahidi, K. b. A. (1988). *Kitab al-Ain* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
16. Fayyaz Kabuli, M. I. (n.d.). *Ta'aliqat Mabsootah 'ala al-Urwa al-Wuthqa* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Mahallati Publications. [In Persian]
17. Fayz Kashani, M. (1994). *Tafsir al-Safī* (H. Alami, Ed., Vol. 1, 2nd ed.). Tehran: Al-Sadr Publications. [In Persian]
18. Fazel Movahedi Lankarani, M. (2005). *Tafsil al-Shari'a* (1st ed.). Qom: Pure Imams Jurisprudential Center Publications. [In Persian]
19. Fiqh attributed to Imam Reza. (1986). *Fiqh al-Reza* (1st ed.). Mashhad: Alulbayt Institute. [In Arabic]
20. Firouzabadi, M. b. Y. (1994). *Al-Qamus al-Muhit* (Vol. 5, 1st ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
21. Fuyumi, A. b. M. (1993). *Al-Misbah al-Munir* (2nd ed.). Qom: Dar al-Hijrah Institute. [In Arabic]
22. Halabi, Ibn Zuhra, H. (1996). *Ghaniyat al-Nuzu'* (1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
23. Helli, Jamal al-Din, A. (1988). *Al-Rasa'il al-Ashar* (S. M. Rajaei, Ed., 1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Persian]
24. Helli, Muhaqqiq, J. b. H. (1987). *Sharayi' al-Islam* (A. H. M. b. A. Beqqal, Ed., Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Esmailian Publications. [In Arabic]
25. Hilli, Ibn Idris, M. (1990). *Al-Sarair* (Vol. 10, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
26. Hosseini Rouhani, S. S. (1992). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Dar al-Kitab Publications. [In Persian]

27. Hur Ameli, M. b. H. (1988). *Wasa'il al-Shi'ah* (Vol. 10, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Foundation. [In Arabic]
28. Ibn Athir, M. b. M. (1947). *Al-Nihaya fi Gharib al-Hadith wa al-Athar* (M. M. Tanaahi, Ed., Vol. 1, 4th ed.). Qom: Esmailian Printing House. [In Arabic]
29. Ibn Duraid, M. b. H. (1988). *Jamharat al-Lugha* (Vol. 2, 1st ed.). Beirut: Dar al-Ilm Publications. [In Arabic]
30. Ibn Faris, A. b. F. (1983). *Mu'jam Maqayis al-Lugha* (A. M. Haroon, Ed., Vol. 4, 1st ed.). Qom: Maktab al-A'lam al-Islami. [In Arabic]
31. Ibn Manzur, M. b. M. (1994). *Lisan al-Arab* (Vol. 4, 3rd ed.). Beirut: Dar Sader Publications. [In Arabic]
32. Iraqi, Z. (1993). *Sharh Tabsirat al-Mutallimin* (M. Hassun, Ed., Vol. 3, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
33. Khomeini, S. R. (1994). *Badai' al-Durar fi Qa'idat Nafi al-Darar* (3rd ed.). Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
34. Khomeini, S. R. (2000). *Kitab al-Tahara* (Vol. 2, 1st ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
35. Khwansari, R. (1894). *Takmil Mashariq al-Shumus* (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Foundation. [In Persian]
36. Khwansari, S. A. (1985). *Jami' al-Madarik* (A. A. Ghafari, Ed., Vol. 2, 2nd ed.). Qom: Esmailian Publications. [In Persian]
37. M. M. (1988). *Al-Urwa al-Wuthqa* (S. M. H. Jalali, Ed., Vol. 1, 2, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Foundation. [In Arabic]
38. Majlesi, M. (1986). *Rawdat al-Muttaqin* (S. H. M. Kermani, Ed., Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Islamic Cultural Institute of Koushanpour. [In Persian]
39. Makarem Shirazi, N. (1990). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyya* (Vol. 1, 3rd ed.). Qom: Imam Amir al-Mu'minin School Publications. [In Persian]
40. Mirza Qomi, A. (1992). *Jami' al-Shatat* (M. Razavi, Ed., Vol. 1, 1st ed.). Tehran: Keyhan Institute. [In Persian]

41. Mousavi Bojnourdi, S. H. (1998). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyya* (M. Mehryazi & M. H. Derayati, Eds., Vol. 1, 1st ed.). Qom: Al-Hadi Publications. [In Persian]
42. Mousavi Khoei, S. A. (1997). *Al-Mawsu'a Imam Khoei* (Vol. 26). Nineveh: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works. [In Arabic]
43. Mousavi Khoei, S. A. (2009). *Al-Mustanad* (4th ed.). Nineveh: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works. [In Arabic]
44. Murtaza Zobeidi, M. (1993). *Taj al-Arous* (A. Shiri, Ed., Vol. 4, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr Publications. [In Arabic]
45. Na'ini, M. H. (2006). *Minyat al-Talib* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Persian]
46. Najafi Kashif al-Ghita, J. (2001). *Kashf al-Ghita* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian]
47. Najafi, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam* (A. Qouchani & A. Akhundi, Eds., Vol. 17, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
48. Qomi, Saduq, A. b. B. (n.d.). *Majmua Fatwa Ibn Babawayh* (A. P. Ishtahardi, Ed., 1st ed.). Qom. [In Persian]
49. Qomi, Saduq, M. (1994). *Al-Muqni'* (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
50. Raghیب Isfahani, H. (1992). *Mufradat Alfaz al-Quran* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ilm Publications. [In Arabic]
51. Ravandi, Q. d. S. (1985). *Fiqh al-Quran* (S. A. Husseinī, Ed., Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Persian]
52. Sabzevari, S. A. (1992). *Muhtadhab al-Ahkam* (Al-Manar Institute, Ed., Vol. 10, 4th ed.). Qom: Al-Manar Institute. [In Arabic]
53. Sharif Murtada, A. b. H. M. (1994). *Al-Intisar* (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
54. Shobeiri Zanjani, S. M. (2020). *Kitab al-Sawm* (Vol. 4). Qom: Imam Mohammad Baqir Jurisprudential Center Publications. [In Arabic]
55. Shobeiri Zanjani, S. M. (n.d.). *Kitab al-Hajj* (Vol. 16). Qom: Imam Mohammad Baqir Jurisprudential Center Publications. [In Arabic]

56. Sobhani Tabrizi, J. (1999). *Al-Sawm fi al-Shari'a al-Islamiya al-Gharaa* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
57. Tabataba'i Ha'eri, S. A. (1997). *Riyadh al-Masa'il* (A. Morvarid, Ed., Vol. 5, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Foundation. [In Persian]
58. Tabataba'i Hakim, S. M. (1990). *Minhaj al-Salihin* (Annotated, Vol. 1, 1st ed.). Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at Publications. [In Arabic]
59. Tabataba'i Hakim, S. M. (1995). *Mustamsak al-Urwa al-Wuthqa* (Vol. 2 & 4, 1st ed.). Qom: Al-Tafsir Institute. [In Persian]
60. Tabataba'i Hakim, S. M. (2004). *Misbah al-Minhaj* (1st ed.). Qom: Dar al-Hilal Publications. [In Persian]
61. Tabataba'i Qomi, S. T. (1997). *Al-Ghaya al-Quswa* (1st ed.). Qom: Mahallati Publications. [In Persian]
62. Tabataba'i Yazdi, S. M. M. (1981). *Kitab al-Hajj* (Vol. 3, 1st ed.). Qom: Mehr Printing House Publications. [In Persian]
63. Tabrizi, J. (2006). *Tanqih Mabani al-Urwa* (1st ed.). Qom: Dar al-Siddiqah al-Shahida. [In Persian]
64. Tusi, A. (1985). *Al-Iqtisad* (1st ed.). Tehran: Chehel Sotoon Comprehensive Library Publications. [In Persian]